

تصمیمات محاکم

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد اعاده حیثیت

جنائی صالح برای رسیدگی نخواهد بود ...)

محکوم علیه از قرار عدم صلاحیت مزبور مستدعی تمیز شده - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۹۵۳۸، ۱۲۵۱ مورخ ۱۶۵۳۱ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

(نظر باینکه تقاضای اعاده حیثیت امری نیست که بر حسب قواعد عمومی مانند دعاوی قابل طرح در محاکم باشد و در قوانین موجوده هم حکم خاص و مرجعی برای رسیدگی باین تقاضا معین نشده و نظر باینکه طبق مستفاد از ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی در صورت وجود شروط مقرر در آن ماده اعاده حیثیت از اموری است که بخودی خود و بدون احتیاج بحکم محکمه حاصل می شود و محو کردن آثار محکومیت هم از سجل جزائی ظاهراً امر اداری است نه قضائی و موقوف بصدر حکم از محکمه نمیباشد بنا بر این قرار محکمه جنائی طهران که اساساً مبنی بر این نظر صادر شده خالی از اشکال قانونی است و ابرام میگردد)

بموجب ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی - اگر کسی بمجازات تادیبی محکوم شده باشد و در مدت پنجسال از تاریخ اتمام مجازات محکومیت جزائی نداشته باشد باعاده حیثیت نائل شده و محکومیت سابق او از سجل جزائی او محو خواهد شد .

کسی که محکوم بدوسال حبس تادیبی شده بوده پس از ختم مدت حبس از محکمه جنائی که محکمه حاکمه بوده تقاضای اعاده حیثیت با استناد ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی کرده - محکمه جنائی چنین رای داده : (مستفاد از عموماًت و کلیات قانونی آن است که دیوان جنائی فقط بارتقاء جنائی و یا جنبه در حدود قانون رسیدگی میکند و در این مورد مدعی به اعاده حیثیت است که داخل در حدود صلاحیت دیوان جنائی نیست و جزء آثار و قبایع محکمه جنائی نیز بشمار نمیرود چه آنکه اثر حکم دیوان مزبور زوال حیثیت متهم در اوقات معینه است نه ایجاد حیثیت بیک امر مثبت که موجبات آن اموری است که اقدام در آن مربوط بدیوان جنائی نخواهد بود بنا بر این دیوان

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد تطبیق عمل باجرم کلاه برداری

بموجب ماده ۲۳۸ قانون مجازات - هر کس بوسائل تقلبی متوسل شود برای اینکه مقداری از مال دیگری

را ببرد ... و یا اسم و عنوان و سمت مجهول اختیار نماید و بیکدی از طرق مزبور وجوه یا اسناد و بلیت ها و قبوض

ماه حبس تادیبی محکوم کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۱۳۲۸ ر ۸۹۶۸ مورخ ۱۶ ر ۱۶ ر ۱۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

(اعتراض مستدعی تمیز مفاداً این است که اولاً مرتکب عمل انتسابی نشده و ثانیاً بر فرض ارتکاب عمل مشمول ماده استنادی نمیباشد که اعتراض اولی راجع به ماهیت دعوی بوده و در مرحله تمیزی قابل رسیدگی نیست و دومی نیز با ملاحظه کیفیاتی که در نظر محکمه مجوز شده است وارد نیست چه آنکه تحصیل مال یا کیفیات مذکوره کلاه برداری محسوب است و چون از ملاحظه حکم وسایر اوراق بایگانی شده در پرونده نیز اشکالی که مؤثر در نقض باشد بنظر نرسید حکم مورد استدعای تمیز با اتفاق آراء ابرام میشود -)

و مفاسد حساب و اموال آن بدست آورد و از این راه مقداری از اموال دیگری را بخورد بحسب تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم میشود

کسی با اتهام اینکه وجه اجاره ملک خود را قبلاً (بعنوان آنکه قبض رسمی را گم کرده است) با قبض غیر رسمی بخط پسرش و جای انگشت خود از مستاجر دریافت کرده و بعداً بموجب قبوض رسمی بوسیله محکمه دوباره وجه اجاره را دریافت داشته و بر اثر شکایت مستاجر مورد تعقیب پار که واقع و محکمه جنحه بعنوان آنکه مطالبه و اخذ وجه بموجب سند خالی از وجه جرم بشمار ندرود او را تبرئه کرده - محکمه استیناف به ملاحظه آنکه دریافت وجه به ترتیب فوق کلاه برداری است حکم محکمه را فسخ و متهم را طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات بچهار

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد صدق رشوه دادن هر چند که طرف آنرا نپذیرد

اداره شهرداری (قرار عدم صلاحیت خود) با استناد ماده (۱) دیوان جزا ۱۳۰۸ و صلاحیت دیوان جزای عمال دولت را صادر مینماید - مدعی العموم و محکوم علیه استیناف خواسته محکمه استیناف (شعبه ۲) دیوان جزا) پس از رسیدگی از جهة اقتضای تخفیف حکم را فسخ و پرداخت بکمز از ریال محکوم کرده و راجع به عضو شهرداری از لحاظ اینکه صلاحیت رسیدگی با اتهام مجرم اصلی بامحاکم عمومی بوده قرار عدم صلاحیت را فسخ کرده که طبق مقررات رسیدگی شود - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - شعبه ۲) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۱۶ ر ۹۸۳۵ مورخ ۱۶ ر ۱۶ ر ۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

اعتراض مستدعی تمیز بر حکم مورد استدعای خلاصه و بالنتیجه آنکه (عنوان رشوه بر عمل رقتی صدق

بموجب ماده ۱۴۲ هر کس برای اقدام باامری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۱۳۹ (مستخدمین دولتی و شوروی و بلدی) و ماده ۱۴۰ (حکم و ممیز و مصدق) میباشد وجه یا مالی بدهد راشی محسوب و در صورتی که مستخدم دولت باشد مجازات مرتشی را خواهد داشت و اگر مستخدم نباشد بدوماه تا یک سال حبس تادیبی یا پرداخت غرامت از هزار تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد .

کسی با اتهام دادن رشوه به رئیس شهرداری برای مساعدت در تعیین نرخ بیخ به معاونت عضو اداره شهرداری مورد تعقیب پار که بدایت واقع - محکمه جنحه نسبت به متهم اصلی حکم محکومیت بپرداخت پنج هزار ریال جزای نقدی با استناد ماده ۱۴۲ صادر و نسبت به معاون متهم (عضو

ذکر نماید مبادرت بصدور قرار کرده و در حقیقت رسیدگی به عذر مستأنف ننموده لذا به موجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش قرار مورد استدعاء باتفاق منقوض است ...»

اخطاریه برای رسیدگی به تقاضای سقوط دعوی استینافی یکماه مهلت خواسته که دلایل عذر موجه خود را در عدم تعقیب تهیه و بمحکمه عرضه بدارد و بموجب ماده ۵۹۱ اصول محاکمات حقوقی این تقاضای یکدفعه قابل قبول است و محکمه بدون اینکه جهتی برای عدم قبول آن

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد تقدیم عرضحال استینافی پیش از ابلاغ حکم بدایت

مدت مزبور قابل قبول نیست) مخالف مقصود مقرر است چه گذشته از اینکه عرض حال استینافی در این قضیه که در موقع ابلاغ و بعد از آن در دفتر محکمه موجود بوده تقدیم عرضحال بعد از ابلاغ حکم نیز بر آن صادق است اساساً ماده مورد استناد محکمه برای تحدید مهلت استیناف پس از ابلاغ حکم وضع شده و مستفاد از آن آنست که عرض حال استینافی میباید تا ده روز پس از ابلاغ حکم تقدیم شود و دلالتی بر عدم قبول عرض حالی که تقدیم آن پیش از ابلاغ حکم شده و در محکمه در زمان ابلاغ موجود بوده ندارد نظر بجهات فوق قرار ممیز عنه بموجب ماده ۳۴۰ قانون اصول محاکمات حقوق باتفاق آراء نقض میگردد (....)

نیز راجع باین موضوع شعبه (۲) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۶۸۷/۱۰۱۵ مورخ ۱۶۷۲۸/۱۶ در مورد دعوی اعسار از پرداخت جزای نقدی که مدعی اعسار (متهم) در محکمه جنحه محکوم بررد اعسار شده و پیش از ابلاغ حکم استیناف داده و محکمه استیناف بعنوان آنکه عرضحال استینافی پیش از ابلاغ و پیش از موعد استینافی بوده رد کرده - چنین رأی داده است :

(مدتی که برای حق شکایت استینافی و تمیزی قانوناً مقرر شده از لحاظ تعیین زمان انقضاء مدت قانونی است که پس از آن حق مزبور سلب میشود و خصوصیتی برای ابلاغ در ایجاد حق شکایت منظور نشده و این حق

بموجب ماده ۲۸۳ قانون آزمایش - مهلت برای استیناف احکام ابتدائی ده روز است که از تاریخ ابلاغ شروع میشود .

کسی در محکمه بدایت محکوم شده و پیش از آنکه حکم محکومیت باو ابلاغ شود عرضحال تنظیم و بمحکمه استیناف تقدیم کرده - محکمه پس از رسیدگی چنین رأی داده است : (بادر نظر گرفتن ماده ۲۴۵ قانون اصول محاکمات حقوقی که برای ابلاغ احکام مقرر اتی وضع کرده که باید از طرف محاکم مجری گردد و باتوجه بماده ۲۸۳ قانون مزبور که مبدء مدت استیناف از تاریخ ابلاغ حکم مستأنف شروع میشود و مجرد علم اصحاب دعوی بمفاد حکم مستأنف عنه کافی برای شروع بمدت نیست بنا بر مراتب عرضحال استینافی مورخ ۸ اسفند ماه ۱۳۱۵ شمسی مستأنفه نسبت بحکم ابلاغ شده در تاریخ ۱۳ اسفند ماه که قبل از موعد استیناف تقدیم شده قابل قبول نبوده و قرار رد آن صادر میگردد - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) در حکم شماره ۱۶۸۸/۱۴۲۷۲ مورخ ۱۶۷۲۷/۱۶ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

« استنباط محکمه (ملخصاً آنکه مطابق ماده ۲۸۳ قانون آزمایش چون مبدء مدت استیناف از تاریخ ابلاغ حکم شروع میشود تقدیم عرضحال استیناف قبل از

بمجرد صدور حکم یا قرار قابل شکایت استینافی و تمیزی اصولاً برای شاکی حاصل است و لو قبل از ابلاغ استفاده از حق مزبور بنماید بنا بر این اعتراض مستدعی تمیز بقرار ممیز عنه وارد و قرار مزبور با استناد ماده ۴۳۰

قانون اصول محاکمات حقوقی به اتفاق آراء نقض و رسیدگی امر بهمان شعبه نائمه محکمه استیناف آذر بایجان ارجاع میگردد -

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد انتقال حقی که قبلاً بدیگری واگذار شده بوده

بموجب ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد - هر کس بسند عادی یا رسمی نسبت بهین یا منفعت مالی حقی بکسی داده و بعد نسبت بهمان حق بموجب سند رسمی معامله یا تهیدی معارض با آن حق با کسی دیگر بنماید چنانچه در اسناد رسمی محسوب و بحسب با اعمال شاقه از سه تاده سال محکوم خواهد شد .

کسی با اتهام آنکه يك دانك و نیم خانه خود را به بیع خیار به کسی واگذار کرده و بعداً تمام شش دانك را به کس دیگر به بیع خیار انتقال داده در صورتیکه اساساً مالك پنج دانك خانه بیش نبوده - مورد تعقیب مدعی العموم واقع و موضوع در محکمه جنائی طرح میشود محکمه جنائی پس از رسیدگی از لحاظ عدم احراز سوء نیت متهم و عدم توجه ضرری به اشخاص دیگر در جریان امر او را مجرم ندانسته و تبرئه میکند - مدعی العموم استیناف از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۹۸۹۶ ر ۱۶۹۷ مورخ ۳۰ ر ۱۶۷۷ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(اعتراض مدعی العموم استیناف تهران بر حکم محکمه جنائی بدین مضمون (نظر باینکه متهم صراحتاً معامله معارض با حق غیر را اعتراف کرده و چون انتقال شش دانك خانه قبل از فسخ معامله با احراز این معنی که یکدانك از خانه اساساً متعلق بزوجه متهم و بملاوه يك

دانك و نیم بموجب سند رسمی مورخ اول اسفند ۱۳۱۲ برای مدت پنجمه و نیم در بیع بوده خود مستلزم سوء نیت متهم و خلاصه تمام عوامل و عناصر مثبت مندرج در ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک برخلاف نظر محکمه در عمل متهم جمع است) بالنتیجه بر حکم مورد درخواست تمیز وارد میباشد و استدلال محکمه جنائی در تبرئه متهم مخدوش است زیرا محکمه نظر خود را در عدم شمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد بعمل انتسابی متهم اساساً متکی بر دو امر نموده یکی آنکه عیال متهم و شخص دیگر قبلاً شکایتی نکرده و عدم رضایت آنها نسبت بمعامله معلوم نیست و دیگری آنکه بر حسب قرائن موجوده متهم سوء نیت و غرض خوردن مال کسی را نداشته و ضرری باشخاص متوجه نشده تا عمل او مشمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد گردد و این استدلال صحیح نیست زیرا اولاد این قضیه که متهم با استناد ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد مورد تعقیب واقع گردیده رضایت و یا عدم رضایت عیال او (که مالك یکدانك از خانه معرفی شده) و یا شخص دیگری که طرف معامله اولی متهم بوده تأثیری ندارد ثانیاً طبق مستفاد از ماده مزبور همینقدر که کسی به نحو مذکور در آن ماده حقی بدیگری بدهد و بعداً نسبت بهمان حق بموجب سند رسمی معامله یا تهیدی معارض با حق مزبور بنماید عمل او جرم

محسوب است اعم از آنکه مرتکب سوء نیت و قصد اضرار داشته باشد یا نه بنابراین حکم محکمه جنائی تهران مبنی

بر جرم نبودن عمل مورد اتهام مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۳۴۰ اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض و ختم عمل بمحکمه جنائی اصفهان رجوع میشود)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد رد عرضحال بعنوان عدم رفع نقص در موعد

بموجب ماده ۱۵ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ - (۰۰۰) مدعی اعسار باید تصدیقی از دفتر محکمه که با اعسار رسیدگی میکند حاکی از تقدیم عرضحال اعسار گرفته در ظرف مدت قانونی به عرضحال استینافی یا تمیزی ضمیمه نماید (۰۰۰)

کسی عرضحال استینافی از حکم محکمه بدایت بمحکمه استینافی تقدیم میکند چون عرضحال نقص داشته در طرف دفتر محکمه اخطار رفع نقص میشود - مستأنف در موعد مقرر در اخطار تصدیق دفتر محکمه بدایت حاکی

از تقدیم عرضحال اعسار تقدیم دفتر استینافی میکند - محکمه استینافی پس از رسیدگی چنین رأی داده : (عرضحال از جهت عدم پرداخت مخارج محاکمه ناقص است و با اخطار بمستأنف در مدت قانونی اقدام بر رفع نقص ننموده و فقط رسید دفتر ابتدائی راجع به تقدیم عرضحال

اعسار از پرداخت مخارج محاکمه بعد از گذشته مدت استینافی بدفتر داده اند که آنهم کافی بنظر نمیرسد زیرا چنانکه در ماده ۱۵ اعسار تصریح شده در صورتیکه دعوی اعسار برای معافیت از مخارج استینافی یا تمیزی باشد

مدعی اعسار باید تصدیق دفتر محکمه ابتدائی که حاکی از تقدیم عرض حال اعسار است در ظرف مدت قانونی به عرض حال استینافی یا تمیزی ضمیمه نماید که از لزوم ضمیمه نمودن رسید مزبور در مدت قانونی به عرض حال استینافی

استفاده میشود که مقصود از مدت قانونی مدت قانونی استینافی است و گر نه جمله مزبور که باید در مدت قانونی به عرضحال

ضمیمه شود زائد بوده است و تقدیم تصدیق پس از گذشتن مدت قانونی استینافی در اثر اخطار رفع نقص مؤثر نبوده بنا بر این و نظر بماده ۲۹۱ آزمایش و ۶۸ تسریع (راجع بر رد عرض حال در صورت نقص و عدم رفع آن) عرضحال استینافی رد میشود) - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۱۶۱۴ ر ۱۳۶۶۵ مورخ ۱۹/۷/۱۲۷۲ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

نظر باینکه در این مورد بدستور ماده ۶۸ قانون

تسریع محاکمات باید مطابق ماده ۲۹۱ مکرر آزمایش رفتار شود و بمستأنف اخطار گردد نواقص را در ظرف دو روز (مدت قانونی) رفع نماید و نظر باینکه نمیتوان مدت قانونی مندرج در ماده ۱۵ قانون اعسار و اصلاح تسریع را با اطلاقی که دارد فقط حمل بر مدت استینافی و تمیزی نمود و با اینکه مستأنف مطابق ماده مزبوره در مدت دو روز (مدت قانونی) تصدیق اعسار را به عرض حال ضمیمه نموده استفاده محکمه در حمل مدت قانونی بمدت استینافی فقط و صدور قرار رد عرض حال با استناد آن مخالف با صریح و اطلاق قانون خواهد بود لذا اعتراض مدعی تمیز از جهت مزبوره برقرار مورد استدعاء وارد است و قرار مزبور باتفاق آراء منقوض و تجدید رسیدگی بهمان شعبه ۷ محکمه استینافی مرکز ارجاع میگردد .